



د افغانستان دموکراتیک جمهوریت
د عدلیې وزارت

قانون طرز تحصیل حقوق

رسمی جریده

شماره یازدهم (۱۵) سنبله

۱۳۶۶

نمبر مسلسل - ۶۴۶

فرمان هیئات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

شهر کابل

شماره : ۱۵۴

مورخ : ۱۳۶۶ / ۵ / ۱۰

در باره تصویب قانون طرز تحصیل حقوق

هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بتاسی از حکم ماده (۴۴) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب میدارد:

ماده اول:

قانون طرز تحصیل حقوق بدخل شش فصل و پنجاه و شش ماده تصویب است.

ماده دوم:

وزارت عدلیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته های اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم شهر کابل و ولایات موظف میگردند در اكمال كدرهای مجرب شعبات حقوق شهر کابل و ولایات تدابیر اتخاذ نمایند.

ماده سوم:

لوی څارنوالی جمهوری دموکراتیک افغانستان از تطبیق و رعایت یکسان قانون مسولیت دارد.

ماده چهارم:

این فرمان با قانون طرز تحصیل حقوق بعد از نشر در جریده رسمی نافذ میگردد.

حاجی محمد څمکنی

سرپرست مقام صدر هیات رئیسه شورای انقلابی

جمهوری دموکراتیک افغانستان

قانون طرز تحصیل حقوق

فصل اول

احکام عمومی

ماده اول:

این قانون بمنظور تنظیم امور مربوط به طرز تحصیل حقوق اشخاص حقیقی و حکمی وضع گردیده است.

ماده دوم:

تطبیق قانون طرز تحصیل حقوق وظیفه وزارت عدلیه و ریاست حقوق وزارت عدلیه میباشد که سازماندهی اجراءات و فعالیت شعبات مربوط را در مرکز و ولایات بدوش دارد.

ماده سوم:

مدیونیت اشخاص حقیقی و حکمی موجب سلب آزادی بالذات یا ممثلین قانونی شان نمیگردد.

ماده چهارم:

اسناد قابل تحصیل حقوق عبارت اند از:

- ۱- اسنادیکه از مراجع ذیصلاح طور نهایی ترتیب، دارای ثبت محفوظ و عاری از جعل و تزویر باشد.
- ۲- اسنادیکه در سفارتخانه ها و قونسلگری های افغانی ترتیب گردیده به تصدیق وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز رسیده باشد.
- ۳- فیصله هاییکه توسط محکمه کشور خارجی بین تبعه خارجی یا تبعه افغانی بشکل نهایی بر اساس پرنسیپ های حقوق بین الدول خصوصی صادر و از طرف وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان تصدیق شده باشد.

ماده پنجم:

مطالبه تحصیل حقوق توسط عریضه از مراجع مندرج ماده (۲) این قانون صورت میگیرد، توضیح شهرت مکمل عارضی، معروض علیه و تعیین وجه مطالبه در عریضه حتمی است.

اگر حق مطالبه شده از جمله اموال منقول و یاغیر منقول باشد عارض به تعیین قیمت آن مکلف است.

ماده ششم:

اداره حقوق از مبلغ تحصیل شده ده فیصد بنام ده یک از مدیون اخذ و بحساب واردات دولت انتقال می دهد.

ماده هفتم:

در امر تحصیل حقوق، څارنديو مکلف به همکاري با اداره حقوق و شعبات مربوط آن ميباشد.

ماده هشتم:

هرگاه حقوق اشخاص حقيقي يا حکمي در اداره حقوق بر اساس حکم مندرج ماده (۵) اين قانون تحت تحصيل باشد به محکمه احاله شده نميتواند مگر اينکه وزير عدليه تصميم بگيرد و يا رئيس ستره محکمه احاله آنرا به محکمه تقاضا نمايد.

ماده نهم:

(۱) تمام دائنين در برابر مايملک مديون حق مساوي دارند جز دائنيکه مطابق احکام قانون حق تقدم داشته باشد.
(۲) هرگاه دائنين از لحاظ حق تقدم در موقف مساوي قرار داشته باشند تحصيل حقوق همه آنها همزمان صورت ميگيرد، اگر دارايي مديون حقوق ثابت مطالبه کننده گان را کفايت نکند، بارعايت احکام قانون مدني به تناسب دين در بين دائنين تقسيم ميشود.

ماده دهم:

در مطالبه حقوق، دائن به محل سکونت مديون مراجعه ميکند.
مديون به محل سکونت دائن به استثنای حکم مندرج ماده (۲۴) اين قانون جلب شده نميتواند.

ماده يازدهم:

محل سکونت به مقصد اين قانون عبارت است از:

- ۱- محليکه شخص بيشتتر از يک سال در آنجا زندگي داشته باشد.
- ۲- محليکه شخص در آنجا وظيفه رسمي غير موقت داشته باشد.
- ۳- محليکه شخص در آنجا فعاليت تجارتي و پيشه اختيار مي نمايد.
- ۴- ساير محلاتيکه در قوانين جمهوري دموکراتيک افغانستان بحیث محل سکونت شخص پيشبيني شده است.

فصل دوم

اجراءات اداره حقوق

ماده دوازدهم:

(۱) اداره حقوق مكلف است بعد از اصول عريضه حقوقى آنرا به دفتر ثبت و به عارض رسيد بدهد و در اثر مراجعه عارض به جلب معروض عليه از طريق خاړندوى اقدام نمايد.

(۲) جلب كارمندان رسمى از طريق اداره مربوط شان صورت مى گيرد در صورت عدم همكارى به سلسله خاړندوى تحت جلب قرار داده ميشود.

(۳) منسوبين قواى مسلح (اردو، وزارت امنيت دولتى و خاړندوى) از طريق اداره مربوط شان تحت جلب قرار ميگيرند و اداره مربوط مكلف به اعزام معروض عليه به اداره حقوق ميشود.

ماده سيزدهم:

بعد از احضار معروض عليه در صورتيكه دين دابن ثابت باشد اداره حقوق مطالبه عارض را كتباً برايش تفهيم ميكند كه در خلال ده روز دين دابن را بپردازد.

ماده چهاردهم:

اداره حقوق بعد از مفاهمه و موافقه كتبى دابن و مديون ميتواند تحصيل حقوق ثابت دابن را مهلت و يا قسط نمايد.

ماده پانزدهم:

شخصيكه به احضار معروض عليه نزد اداره حقوق ضمانت نموده عندالمطالبه مكلف به احضار وى ميشود.

ماده شانزدهم:

مديون در مدت معينه ماده (۱۳) اين قانون مكلف به پرداخت دين ذمت خود ميشود به استثنای حالات ذيل:

۱- در صورتيكه دابن به اقساط موافقه نمايد.

۲- در صورتيكه دابن به مديون بيشتر مهلت قايل شود.

۳- در صورتيكه دين بالاتر تجويز محكمه ذبصلاح مطابق به احكام قانون قسط شود.

ماده هفدهم:

موظف اداره حقوق بموافقه رئیس کمیته اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم میتواند با نظر داشت استطاعت مدیون در پرداخت طلب داین به محکمه ذیصلاح پیشنهاد تعیین اقساط را نماید.

ماده هجدهم:

قسط مندرج ماده (۱۷) این قانون ماهوار تعیین و از نه قسط بیشتر بوده نمیتواند.

ماده نوزدهم:

در صورت تعیین پرداخت دین به اقساط از تادیه قسط اول آن از مدیون ده یکه اخذ میشود اگر مدیون اقساط باقیمانده را بدون مداخله اداره حقوق در وقت معین به دائن بپردازد ده یکه اخذ نمیگردد.

ماده بیستم:

هرگاه اداره حقوق بعد از تحصیل دین از مدیون ده یکه اخذ نموده باشد حین اخذ رسید خط عندالمحکمه مدیون از پرداخت محصول معاف است.

ماده بیست و یکم:

هرگاه مدیون به عوض طلب داین ملکیت خویش را به بیع قطعی بدهد از وی ده یکه اخذ میشود.

ماده بیست و دوم:

هرگاه ملکیت مدیون در بدل دین بطور رهن در اختیار داین قرار داده شود ده یکه گرفته نمیشود.

ماده بیست و سوم:

از تحصیل نفقه و کسوت ده یکه اخذ نمیشود.

ماده بیست و چهارم:

در تحصیل نفقه و کسوت ناشی از رابطه ازدواج عارضی مکلف نیست به محل سکونت معروض علیه مراجعه کند اداره حقوق محل سکونت زوجه حق ثابت وی را کتباً به اداره حقوق محل سکونت زوج جهت تحصیل می نویسد.

ماده بیست و پنجم:

(۱) موظف اداره حقوق پول ده یکه را مستقیماً از مدیون اخذ کرده نمی تواند مدیون توسط تعرفه ایکه در آن نمبر حساب تحویلی، شهرت داین و مدیون و اندازه پول ده یکه درج است به نزدیکترین بانک یا خزانه دولتی معرفی و پس از تحویلی رسید بانک نصب دفتر سندات اداره حقوق میگردد.

(۲) هرگاه پول ده یکه روی بعضی ملحوظات توسط موظف اداره حقوق مستقیماً اخذ شود مکلف است که در ظرف (۴۸) ساعت تحویل بانک یا خزانه دولت نماید.

در غیر آن بدون ارایه اعدار قانونی تابع جریمه فیصدی طبق حکم قانون میباشد.

ماده بیست و ششم:

هرگاه مدیون توان پرداخت ده یکه را بصورت یکجایی نداشته باشد پول ده یکه به صلاحیت وزیر عدلیه یا رئیس کمیته اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم قسط شده میتواند.

ماده بیست و هفتم:

اداره حقوق میتواند که در اطراف عرض عارض و توضیحات معروض علیه عندالضرورت معلومات لازم را از مراجع اشخاص ذیعلاقه مطالبه نماید هرگاه عرض عارض حکم مندرج ماده (۵) این قانون مستند به اسناد قابل تحصیل نباشد و معروض علیه از مطالبه عارض انکار ورزد در اینصورت عریضه و اوراق حاوی معلومات یکجا با طرفین به محکمه ذیصلاح ارجاع میشود.

ماده بیست و هشتم:

هرگاه اوراق مربوط به اختلاف طرفین ادعا در اداره حقوق موجود و محکمه بملاحظه آن ضرورت احساس نماید اداره حقوق مکلف است عندالمطالبه آنرا باقید فهرست به محکمه مربوط ارسال کند.

فصل سوم

مکلفیت مدیون و ضامن در برابر داین

ماده بیست و نهم:

مدیون مکلف است تمام دین ثابت ذمت خود را در حال مطالبه به داین بپردازد مگر اینکه شرایط تادیه طور دیگری موافقه شده باشد.

ماده سی ام:

داین میتواند در هر وقت دین خود را از مدیون مطالبه نماید ولی قبل از رسیدن موعد دین موجب، حق مطالبه آنرا ندارد.

ماده سی و یکم:

ضامن در صورت افلاس و ورشکست قانونی یا لادرک بودن مدیون مشروط براینکه جایداد نداشته باشد مکلف به پرداخت دین ثابت داین میگردد.

ماده سی و دوم:

هرگاه از مدیون متوفی بالای شخص دیگری دین ثابت بوده باشد داین بدون ارتباط ورثه متوفی حق مطالبه را از وی ندارد.

ماده سی و سوم:

مدیون جهت ادای طلب داین به فروش مایملک اش مکلف شده میتواند.

ماده سی و چهارم:

(۱) هرگاه مدیون دین ثابت ذمت خود را در اثر مطالبه داین و ابلاغ موظف حقوق تادیه نکند ایفای دین از طریق تنفیذ جبری صورت میگردد.

(۲) تنفیذ جبری روی اموالی صورت میگردد که شامل احتیاج اولیه مدیون نباشد.

(۳) تنفیذ جبری با اثر تصمیم ادارات مسوول و تجویز محکمه مربوط توسط هیات موظف از نماینده گان اداره حقوق، کمیته اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم، کمیته اجرائیه شورای نمایندگان مردم شهر، خاندوی و خرنوالی در حضور مدیون و یا قائم مقام آن به صورت داوطلبی و مزایده با اندازه دین بفروش رسیده به داین داده میشود.

(۴) هرگاه تشخیص نوع و جنسیت اموال منقول مدیون به نظر اهل خبره و شخص فنی ارتباط بگیرد از اهل خبره و مراجع فنی استفاده شود اگر این نوع اجراءات مصارفی را ایجاب کند پرداخت آن نیز به دوش مدیون است.

ماده سی و پنجم:

(۱) احتیاج اولیه مدیون عبارت از یک مسکن با نظر داشت ماده ۳۷ این قانون و وسایل است که در صورت فقدان آن شخص نتواند به صورت عادی زندگی کند.

(۲) فهرست این وسایل توسط کمیسیون ذیصلاح مشتمل از نمایندگان ارگانهای حراست حقوق تثبیت و بتائید وزیر عدلیه جمهوری دموکراتیک افغانستان میرسد.

ماده سی و هشتم:

(۱) هرگاه فروش اموال منقول مدیون ادای دین را کفایت نکند اداره حقوق میتواند با اثر مطالبه داین لست اموال غیر منقول وی را غرض حجر به محکمه ذیصلاح راجع سازد.

(۲) در صورت امتناع مدیون از فروش مایملک غیر منقول، موضوع ذریعه اداره حقوق به محکمه ذیصلاح جهت تجویز فروش اجباری ارجاع میشود. محکمه مربوط به تقاضای اداره حقوق وکیل انتخابی را از جمله خارنوال های مدنی تعیین می نماید تا عوض مالک (مدیون متمد) بفروش جایداد غیر منقول وی در وثیقه عندالمحکمه اقرار کند. این اقرار در حکم اقرار مدیون بوده و سند انتقال ملکیت نیز میباشد.

(۳) فروش جایداد غیر منقول مدیون به نحویکه در این ماده ذکر شده با در نظر داشت فقرات (۳ و ۴) ماده ۳۴ این قانون صورت می گیرد.

(۴) اموال منقول مدیون که برای انتقال ملکیت آن و وثیقه رسمی و اقرار عندالمحکمه لازم است نیز شامل این حکم میباشد.

ماده سی و هفتم:

(۱) هرگاه قیمت اعظمی مسکن (سر پناه) در شهر کابل از یک ملیون افغانی و در مراکز ولایات از هفتصد هزار افغانی و در سایر محلات از پنجصد هزار افغانی بیشتر نباشد بمدیون گذاشته شده فروش آن جواز ندارد.

(۲) هرگاه قیمت مسکن از اندازه معینه فقره (۱) این ماده بیشتر باشد فروش آن در بدل طلب داین در صورتی مجاز است که مبلغ اضافه از دین داین یک سر پناه عادی را برای مدیون تامین کرده بتواند.

ماده سی و هشتم:

هرگاه موضوع تنفیذ جبری ذریعه مدیون اخلاص شود متمد شمرده شده مطابق احکام قانون باوی معامله میشود.

ماده سی ونهم:

افلاس مدیون باسناد درخواست اشخاص ذیعلاقه و حکم محکمه با صلاحیت طبق احکام قانون تثبیت میگردد.

فصل چهارم

تخلیه و تسلیمی

ماده چهارم:

تخلیه ملکیت مالک از تصرف شخص دیگر باسناد سند قانونی دست داشته مالک به اساس تقاضای وی بعد از تجویز محکمه مربوط به تصمیم رئیس کمیته اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم ذریعه هیات موظف صورت میگیرد در ترکیب هیات نماینده خاندوی خانونالی، کمیته اجرائیه شورای نمایندگان مردم شهر و اداره حقوق شامل میباشد.

ماده چهل ویکم:

مستاجریکه خانه ملکیت موجر را بعد از ختم عقد بدون رضایت مالک در تصرف نگاه دارد در صورت موجودیت مشکلات ناشی از عدم پیدایش سرپناه برای تخلیه ملکیت به صلاحیت وزارت عدلیه یا رئیس کمیته اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم الی سه ماه جهت دریافت سرپناه جدید برای مستاجر مهلت داده شده میتواند این مهلت بدون موافقه و رضایت کتبی مالک قابل تمدید نیست.

ماده چهل و دوم:

تصمیم مبنی بر تخلیه محلات و مواضع تجارتي در صورتیکه برای استفاده شخصی مالک ضرورت باشد و مستاجر به تخلیه آن نپردازد در اثر تجویز محکمه ذیصلاح صورت می گیرد.

ماده چهل و سوم:

عاقدیکه مایملک غیر را در اثر یک عقد متصرف و برای مدتی غایب و در نتیجه غیابت وی کرایه و غیره عایدات مالک معطل گردد اداره حقوق به تخلیه و تسلیمی مایملک مذکور طبق تجویز محکمه ذیصلاح اقدام میکنند.

ماده چهل و چهارم:

تجویز مبنی بر تخلیه و تسلیمی مندرج ماده (۴۲) این قانون از طریق رادیو و یا روز نامه کثیرالانتشار دولتی نشر میگردد، در عدم مراجعت شخص غائب بعد از انقضای میعاد سه ماه طبق حکم ماده (۴۱) این قانون اجراءت میشود.

ماده چهل و پنجم:

(۱) هرگاه شخص غائب قائم مقام نداشته باشد اموالیکه از ملکیت تخلیه شده بدست آمده توسط هیات موصف در سه نقل تشریح و ترتیب شده یک یک نقل آن به محکمه ذیصلاح شعبه اداری ولایت و اداره حقوق محل نگهداری میگردد.

اموال بدست آمده تا احضار غائب یا قائم مقام آن به تحویلخانه مربوط اداره حقوق حفاظت میشود.

(۲) در صورتیکه اموال مذکور مستلزم تشریح مزید فنی باشد از نظر اهل فن استفاده شده می تواند.

(۳) اگر این نوع اجراءات ایجاب مصارف را نماید بدوش مالک میباشد.

ماده چهل و هشتم:

(۱) هرگاه اموال بدست آمده بمرور ایام خاصیت اصلی و یا مقاومت خود را از دست بدهد اداره حقوق در باره فروش آن به تجویز محکمه ذیصلاح اجراءات مینماید.

(۲) پول فروش به حساب امانت در بانک گذاشته میشود.

ماده چهل و نهم:

اموال و قیمت اموال فروخته شده در عدم مراجعه مالک وکیل و یا وارث وی بعد از مرور پانزده سال ملکیت دولت شناخته می شود.

فصل پنجم

نیابت در تحصیل حقوق

ماده چهل و هشتم:

در صورتیکه دائن اسناد قابل تحصیل حقوق ثابت بدست داشته و روی معاذیر موجه به محل سکونت مدیون که در ولایت دیگر است رفته نتواند اداره حقوق محل سکونت داین میتواند فوتوکاپی یا سواد اسناد داین را بعد از مهر و نشانی شد رسماً به اداره حقوق محل سکونت مدیون ارسال نماید تا نیابتاً به تحصیل حقوق مذکور اقدام شود.

ماده چهل و نهم:

(۱) هرگاه مدیون سند مبطل ادعای دائن را نداشته باشد اداره حقوق محل سکونت مدیون مطالبه داین را تحصیل و از طریق بانک به اداره حقوق محل سکونت دین ارسال نماید اداره حقوق محل پول را در برابر رسید خط به داین تسلیم و رسید خط رسماً به مدیون ارسال میگردد.

مصارف انتقال وجه دین در این نوع اجراءات باستثنای محصول ده یکه بذمت دائن میباشد.

(۲) هرگاه مدیون در برابر مطالبه مذکور دلیل قانونی ارایه کند در اینصورت داین حکم مندرج ماده (۱۰) این قانون را حین مطالبه رعایت مینماید.

فصل ششم

احکام نهایی

ماده پنجاهم:

هرگاه عارض در خلال یک ماه اجراءات عریضه اش را در اداره حقوق تعقیب ننماید عریضه مذکور به امر ریاست حقوق در مرکز و بالاثر پیشنهاد اداره حقوق و تصمیم رئیس کمیته اجرائیه محلی شورای نمایندگان مردم در ولایات و ولسوالی ها حفظ میگردد.

ماده پنجاه ویکم:

مدیون متمرّد مجرم بوده ذریعه څارنوالی تحت تعقیب قرار میگردد.

ماده پنجاه دوم:

هرگاه ضامن بدون معاذیر قانونی از احضار معروض علیه با اداره حقوق خود داری ورزد مانند مدیون متمرّد با وی معامله میشود.

ماده پنجاه وسوم:

اداره حقوق دارای مهر مخصوص میباشد.

ماده پنجاه وچهارم:

ریاست حقوق وزارت عدلیه برای ادارات حقوق خود در مرکز و ولایات دفاتر متحدالشکل را تجویز مینماید.

ماده پنجاه و پنجم:

موظف حقوق در مرکز و ولایات هر سه ماه به اداره حقوق وزارت عدلیه از اجراءات خویش رسماً گزارش میدهد.

ماده پنجاه و ششم:

این قانون بعد از نشر در جریده رسمی نافذ میگردد.